



Jurisprudential Investigation of Wife's Inheritance from Land by Emphasizing Famous Arguments of Later Scholars and Seyed Murteza

Amin. Seyyed Alireza^{1*} Naeimi. Ashkan²

1: PhD Student of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Tehran University, Tehran, Iran
(Corresponding Author): s.alirezaamin@gmail.com

2: Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract: Concerning the subject of the wife's inheritance from land, which is an adjunct issue in the field of women inheritance, various perspectives have been raised in jurisprudential books. Different perspectives, which have originated from different scholars' interpretations, have also found their way into the legislative domains, as with the amendments in the February of 2008 in articles 946 and 948 of the Civil Code, the theory of the wife's share of the price of the immovable property (the view by Seyed Murteza) replaced the theory of the wife's deprivation of the price of the immovable property and its kind (the view by later scholars). Doubts about the influence of the egalitarian movements calling for the equality of rights between men and women in some jurisprudential inferences, and also the outstanding role of legislature in safeguarding Islamic teachings require a fair investigation into the wife's inheritance from land so that the true theory in this regard is clarified. This study used the descriptive-analytical method to demonstrate the outstanding theory of later scholars, upon which the wife, with or without children, does not inherit from her deceased husband's price of land and its kind, either residential or agricultural, though she inherits from the price of buildings.

Keywords: wife inheritance, with children, absolute land, residential land, land price, immovable property, estate.

- S.A. Amin; A. Naeimi (2024), Jurisprudential Investigation of Wife's Inheritance from Land by Emphasizing Famous Arguments of Later Scholars and Seyed Murteza, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 16(37), 141-172.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29097.3452](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29097.3452)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۶ - شماره ۳۷ - زمستان ۱۴۰۳

صفحات ۱۴۱ - ۱۷۲ (مقاله ترویجی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ - بازنگری ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ - پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی

سید علیرضا امین^۱ / اشکان نعیمی^۲

s.alirezaamin@gmail.com

۱: دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۲: استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده: در مسأله ارث زوجه از زمین، به عنوان یکی از فروعات مورد ابتلاء بحث میراث زنان، آراء مختلفی در کتب فقهی مطرح گردیده است؛ این تفاوت دیدگاه‌ها که منشأ آن استظهار متفاوت فقها از روایات بوده است، به عرصه تقنین نیز راه یافته است به گونه‌ای که با اصلاحاتی که در بهمن ۱۳۸۷ در مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ ق.م. صورت گرفت، نظریه بهره‌مندی زوجه از قیمت اموال غیرمنقول - قول سید مرتضی - جایگزین نظریه محرومیت زوجه از عین و قیمت اموال غیر منقول - قول مشهور متأخرین از فقها - شد. شائبه نفوذ رگه‌هایی از جریان‌های خواهان تساوی حقوق همه جانبه زن و مرد در برخی از استنباط‌های فقهی و نیز نقش برجسته مقام تقنین در صیانت از تعالیم اسلام، می‌طلبد که مسأله ارث زوجه از زمین، با نگاهی بی‌طرفانه واکاوی گردد تا از رهگذر تحقیق در مستندات اقوال، زمینه برای روشن شدن نظریه صواب در مسأله، فراهم آید. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد اثبات استحکام نظریه مشهور متأخرین است که بر اساس آن، زوجه اعم از ذات ولد یا غیر ذات ولد از شوهر متوفایش، از عین و قیمت زمین - چه زمین مسکونی چه زمین زراعی - ارث نمی‌برد ولی از قیمت بناء ارث می‌برد.

کلیدواژه: ارث زوجه، ذات ولد، مطلق زمین، زمین مسکونی، قیمت زمین، اموال غیر منقول، عقار.

- امین، سید علیرضا؛ نعیمی، اشکان (۱۴۰۳) بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان، شماره ۳۷، صفحات ۱۷۲-۱۴۱.

[Doi: 10.22075/feqh.2023.29097.3452](https://doi.org/10.22075/feqh.2023.29097.3452)

مقدمه

شکل‌گیری اصل برخورداری زنان از میراث طبق آیه دوازدهم سوره نساء، از جمله احکام تأسیسی است که در پرتو ظهور اسلام رقم خورد. بر این اساس، زوجیت با دو شرط دائمی بودن و در حبال زوج بودن زوجه، از اسباب توارث شناخته شد (خمینی، ۱۳۹۲: ۳۹۶/۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۱: ۲۱۷/۱) و زن از یک چهارم ماترک شوهری که فاقد فرزند است و از یک هشتم ماترک شوهری که صاحب فرزند است، ارث می‌برد. مواد ۹۱۳ و ۹۲۷ و ۹۳۸ قانون مدنی نیز بر این مسأله تصریح دارد. با وجود اتفاق در اصل سهم شدن زن در ماترک، فروعاتی از آن، از قبیل مسأله ارث زوجه از زمین، مورد اختلاف فقهاست؛ به گونه‌ای که در این خصوص، پنج قول در کتب فقهی قابل احصاء است. طبق قول مشهور متأخرین از فقها، زوجه از عین یا قیمت زمین ارث نمی‌برد و سهم الارث وی، تنها به قیمت ابنیه و اشجار تعلق می‌گیرد. مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ ق.م. مصوب ۱۳۰۷ (ش) از این نظریه پیروی می‌کرد. اما با اصلاحاتی که در بهمن ۱۳۸۷ (ش) در مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ ق.م. صورت گرفت، زوجه از عین اموال منقول، و قیمت اموال غیر منقول شوهر متوفی خود، بهره‌مند می‌گردد. در میان فقها، سید مرتضی قائل به این نظریه بوده است. در مسأله، علاوه بر این دو نظریه، سه نظریه دیگر نیز در کتب فقهی دیده می‌شود: یکی منسوب به ابن جنید که قائل به ارث زوجه از زمین به صورت مطلق است. دو قول دیگر مربوط به مشهور قدماء و شیخ مفید که به ترتیب بین زوجه ذات ولد و غیر ذات ولد و نیز بین زمین مسکونی و غیر آن، تفصیل می‌دهند. نسبت به هریک از این اقوال از جانب صاحب‌نظران نقد و ابرام‌هایی صورت گرفته است. این مقاله در صدد بررسی مستندات اقوال و اختیار نظریه اقرب به صواب از میان آنهاست.

مسأله ارث زوجه از زمین یکی از مباحث مبتلی به و در عین حال، مورد اختلاف است که از صدر اسلام تاکنون در ضمن ابواب کتب فقهی و یا در قالب رساله‌های

مستقل مورد توجه فقها بوده است. فقها و محققین این عصر نیز به بررسی این مسأله پرداخته اند.

محقق صافی (۱۳۶۳) در رساله «میراث الزوجه» که تقریرات درس محقق بروجردی است و نیز هاشمی شاهرودی (۱۳۸۱) در کتاب «میراث الزوجه من العقار» با نگاهی ژرف به بررسی مسأله پرداخته اند. اما چون تحقیقات مزبور از جانب این بزرگان، قبل از تصویب قانون جدید و اصلاح مواد ۹۴۶ و ۹۴۷ بوده است، عمدتاً در آنها رویکرد نقادانه نسبت به نظریه ای که در قانون جدید اختیار شده است، وجود ندارد. ضمن این که محقق صافی و هاشمی شاهرودی به ترتیب در مقام تثبیت قول تفصیل بین ذات ولد از این شوهر و غیر ذات ولد و قول بهره مندی زوج از قیمت زمین مسکونی هستند که در این مقاله، مستندات این اقوال مورد بررسی و نقد قرار خواهد گرفت.

پیرعباسی (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان «تحلیلی بر ارث زوجه از اموال غیر منقول»، برای زوجه دارای فرزند از زوج، از تمام اموال زوج - حتی عین زمین - ارث قائل است. در عین حال معتقد است در فرضی که زوج فاقد فرزند است، نباید سهم الارث زوجه کمتر از ثمن ماترک شود. بلکه می بایست با محرومیت از عین برخی ماترک و اعطای قیمت زمین سهم الارث زوجه تکمیل گردد. حال آن که اولاً، اصلاً اختلافی در این مسأله نیست که سهم الارث زوجه از ماترک، ثمن در صورت فقدان فرزند و ربع در صورت وجود فرزند است. ثانیاً، تفصیل بین زوجه ذات ولد و غیر ذات ولد به دلایلی که خواهد آمد، محل اشکال است.

محمدحسن دانش (۱۳۹۰) در کتاب «بررسی آخرین و برترین آراء و نظریه ها پیرامون ارث زوجه از زمین» که تقریرات درس محمدجواد فاضل لنکرانی است، زوجه را از جمیع عقار اعم از عقار ارض، عقار خانه و عقار بستان محروم می داند. همچنین تمسک به روایت ابن اذینه و مسأله انقلاب نسبت را طرق منحصره برای تفصیل در حکم بین زوجه ذات ولد و غیر آن به حساب آورده و آنها را تضعیف نموده است (دانش،

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۴۵

۱۳۹۰: ۲۵۶-۳۴۰). تحقیق حاضر در دسته بندی و نیز نحوه مواجهه با روایات باب با این کتاب که از جامع ترین تحقیقات صورت گرفته در مسأله است، تفاوت های قابل توجهی دارد.

غفوری (۱۳۹۰) در پایان نامه ای با عنوان «بررسی فقهی - حقوقی مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ قانون مدنی مصوب ۶ بهمن ۱۳۸۷ شمسی در مورد ارث زوجه از زمین» در صدد تقویت نظریه ای اخصّ از قول سید مرتضی است. طبق این نظریه که مطابق قول مشهور قدماست، زوجه صاحب فرزند، از عین تمام دارایی از جمله عین زمین ارث می برد و زوجه فاقد فرزند از عین زمین ارث نمی برد. این قول، جمعی بین قول سید مرتضی و قول کسانی است که با نظر به صحیح ابن اذینه، محرومیت را مختص زوجه فاقد فرزند می دانند. همچنین صادقی مقدم (۱۳۹۱) در مقاله «تحول در حقوق ارث زن از اموال غیر منقول شوهر»، معتقد است زوجه ای دارای فرزند از شوهر، مستحق دریافت عین زمین می باشد. اما به نظر می رسد علاوه بر عرفی نبودن جمع بین آیه و روایات متضمن محرومیت زوجه از ارث به صورت مطلق و نیز مخالفت با استظهار خود سید مرتضی در مسأله حبوه، روایات تفصیل دهنده بین زوجه ذات ولد و غیر آن، مبتلا به اشکالاتی است. از جمله این که ممکن است از امام (ع) نباشد یا توأم با واسطه ای باشد که محذوف است یا به جهت مخالف با روایات متواتره فراوان، شاذّ محسوب گردد؛ ضمن این که اجماع ادعا شده در مسأله نهایتاً، اجماع مدرکی است که معتبر نیست.

حسنوند (۱۳۹۴) در پایان نامه «مبانی فقهی و حقوقی ارث زوجه از زمین» معتقد است با این همه اختلاف، تعارض و شبهه در روایات، دلیل معتبری برای تخصیص آیه قرآن یافت نمی شود. خصوصاً در این فرض که تشکیک شود آیا عرف که نصّ را بر ظاهر مقدم می دارد، با خبری که به کمک مرجّح و مانند آن، برتری یافته، قرآن مقدّم را تخصیص می زند یا خیر؟ نتیجه این بیان، قائل شدن به قول ابن جنید در مسأله است

که شدوذ، مخالفت با اجماع امامیه و روایات مستفیضه، از جمله وجوه ضعف آن محسوب می‌شود.

احمدی تبار (۱۳۹۸) در مقاله «ارث زوجه از زمین»، باتوجه به محتوای ناهمگون روایات در باب ارث زوجه از زوج، در محرومیت میراث زوجه از اموال غیر منقول زوج، به اقل آن که عین زمین است اکتفا کرده است. لذا طبق این دیدگاه که مطابق قول سید مرتضی است، زوجه چه ذات ولد باشد چه غیر ذات ولد، تنها از قیمت زمین ارث می‌برد. حال آن که به نظر می‌رسد عرف از انضمام آیه و روایات با مضمون «الزوجه لاثرت من الارض شیئاً» این طور نمی‌فهمد که زوجه از عین زمین، ارث نمی‌برد اما از قیمتش ارث می‌برد. خود سید مرتضی در مسأله جبهه نیز چنین استظهاری ندارد که قیمت، متعلق سهم الارث سایر وراث است؛ ضمن این که دلایل و شواهد دیگری بر ضعف سایر مستندات این قول اقامه خواهد شد.

۱- تعریف مفاهیم

ارث: در لغت از ماده ورث به معنای بقاء مال متوفی برای دیگری بدون عقد است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۳؛ طبرسی، ۱۴۲۵: ۲۹/۳؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۲۶۷/۲). در اصطلاح فقهی، استحقاق بالاصاله انسان نسبت به چیزی از شخص متوفی است که با او پیوند نسبی یا سببی دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۱/۸).

زمین: از اموال غیر منقولی است که ذاتاً و طبیعتاً قابل جابه‌جایی نیست - نه این که با واسطه عمل انسان، متصف به غیر منقول شده باشد یا در حکم یا تابع اموال غیر منقول باشد - و مشتمل بر مصادیق متعددی است؛ خواه زمین خالی و خواه زمین دارای زراعت، درخت، ساختمان و مانند آن (طاهری، ۱۳۷۱: ۱۷۷/۱-۱۸۱).

۲- بیان محل نزاع

بحث در فرضی است که شرایط تحقق ارث زوجه از قبیل وجود رابطه زوجیت، صحیح بودن این رابطه، وجود رابطه زوجیت هنگام فوت مورث، دائمی بودن زوجیت

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۴۷

(تجری مؤدنی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۰۹)، در حبال زوج بودن زوجه و یا ممنوع نبودن وی از ارث، محقق باشد.

در این فرض، در این که «زوج» از «جمع ما ترک زوج» ارث می‌برد و در مقابل، زوجه فی الجمله از بعض میراث زوج محرومیت دارد، اختلافی بین علمای امامیه وجود ندارد؛ اما نسبت به این که چه زوجه ای و از کدام اموال زوج، محروم است؟ بحث و نزاع وجود دارد (سبزواری، ۱۴۲۳: ۸۵۳/۲؛ شهید اول، ۱۴۱۴: ۵۸۳/۳).

۳- اقوال

در مسأله ارث زوجه از زمین پنج قول قابل احصاء است:

۳-۱- قول اول (ابن جنید): ارث زوجه از زمین به صورت مطلق

قول شاذی منسوب به ابن جنید است، که طبق آن، زوجه مطلقاً از زمین ارث می‌برد. کما این که از سایر اموال ارث می‌برد (ابن جنید، ۱۴۱۶: ۳۳۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۳/۹). این نظریه که مطابق قول عامه است، خلاف اجماع فقها متقدمین و متأخرین و خلاف روایات است. هر چند که از کلمات قاضی نعمان به نظر می‌رسد، برخی از شیعیان غیر اثنی عشری نیز به آن رأی داده‌اند (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵: ۳۹۲/۲). اما صاحب جواهر، پس از نقد این نظریه معتقد است، این فتوا به ابن جنید اختصاص دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱۰/۹).

به نظر می‌رسد از فقههای معاصر، آیه الله سبحانی تبریزی معتقد به این نظریه است؛ چرا که در نظر ایشان، لسان مخصّص برای عمومات ارث زوجه از همه ماترک زوج، مضطرب و در نتیجه، غیر قابل احتجاج است. همچنین در صورت شک، به اطلاق کتاب رجوع می‌شود که حکم به ارث از هر چیزی می‌کند و این برداشت، مقتضای اطلاق موصول در جمله «مِمَّا تَرَکْتُمْ» در آیه است (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۵: ۳۳۴).

۳-۲- قول دوم (سید مرتضی): ارث زوجه از قیمت زمین

طبق این قول، زوجه همان طور که از قیمت بناء ارث می‌برد، از قیمت زمین - نه عین زمین - نیز ارث می‌برد (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۸۵؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۲/۹). هاشمی شاهرودی (۱۴۲۸: ۱۳/۴۵) در مقام تثبیت این قول، معتقد است که افزون بر سید مرتضی، صدوق (۱۴۱۳: ۲۵۲/۴) و مرحوم ابوالصلاح حلبی (۱۴۱۳: ۳۷۴/۱) نیز همین نظر را افاده می‌کنند.

۳-۳- قول سوم (مشهور قدمات): تفصیل بین ذات ولد و غیرها

قول سوم تفصیل بین زوجه‌ای است که از این شوهر فرزند دارد یا ندارد. بدین بیان که زوجه دارای فرزند از زوج، از جمیع اعیان اموال او ارث می‌برد و زوجه فاقد فرزند از این زوج متوفی، نسبت به اصل و قیمت زمین، ارث نمی‌برد؛ بلکه تنها از یک هشتم قیمت بناء، ارث می‌برد. این نظریه به مشهور قدمات منسوب است. شیخ طوسی (۱۴۰۰: ۶۴۲)؛ ابن حمزه طوسی (۱۴۰۸: ۳۹۱)، ابن برّاج در مهذب (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۱۴۱/۲)، محقق حلی (۱۴۰۸: ۲۸/۴) و علامه در قواعد (۱۴۱۳ الف: ۳۷۶/۳) و نیز در ارشاد الاذهان (۱۴۱۰: ۱۲۵/۲) این نظریه را اختیار کرده‌اند.

مرحوم محقق صافی گلپایگانی بین ذات ولد از این شوهر و غیر ذات ولد از این شوهر تفصیل قائل شده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۱۸-۱۹).

۳-۴- قول چهارم (شیخ مفید): تفصیل بین زمین مسکونی و غیر آن

از نظر شیخ مفید، زوجه از ارض الضیاع (زمین‌های کشاورزی و مانند آن) برخلاف ارض الرباع (زمین‌های مسکونی)، ارث نمی‌برد (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۶۸۷). ابن ادریس حلی (۱۴۱۰: ۲۵۸/۳)، هاشمی شاهرودی (۱۴۳۲: ۵۲۵/۲)، محقق صافی گلپایگانی در کتاب میراث الزوجه به نقل از محقق بروجردی (گلپایگانی، ۱۴۰۵: ۳۶) نیز بین اراضی مسکونی و اراضی غیر مسکونی تفصیل می‌دهند. هاشمی شاهرودی، این تفصیل را به محقق حلی در المختصر النافع، فاضل مقداد و محقق سبزواری در الکفایه فی الفقه نیز نسبت داده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۱۹/۴۷).

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۴۹

۵-۳- قول پنجم (مشهور متأخرین): عدم ارث زوجه از زمین مطلقاً

بین متأخرین مشهور است که زمین از سهم الارث زوجه به صورت مطلق، مستثنی است (محقق حلی، ۱۴۱۸: ۲۷۲/۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۶۴۲؛ ۱۳۸۷: ۱۲۶/۴؛ شهید اول، ۱۴۱۰: ۱۷۲/۸)؛ بدین معنا که چه زوجه از این شوهر، فرزند داشته باشد و چه از این شوهر، فرزند نداشته باشد، زوجه از زمینی که از شوهر به ارث رسیده، نه به لحاظ عین زمین، نه به لحاظ قیمت آن، سهمی ندارد؛ بلکه تنها از قیمت ساختمان ارث می‌برد. در میان قدماء، این قول در کلمات ابن ادریس نیز مشاهده می‌شود (ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۲۵۹/۳).

۴- بررسی اجمالی مقتضی آیات و روایات

طبق آیه ۱۲ سوره نساء، زوجه اگر از شوهرش فرزند ندارد، یک چهارم کل ما ترک این زوج را مالک می‌شود و اگر از شوهرش فرزند دارد، یک هشتم کل مال را مالک می‌شود. اطلاق آیه چنین اقتضاء می‌کند که در ارث بردن زوجه از ما ترک زوج، بین صوری که ماترک مشتمل بر زمین یا غیر زمین باشد، فرقی نیست. این اطلاق از برخی از روایات از قبیل روایت محمد بن صحاف (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۶/۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۲/۲۶) و صحیح محمد بن مسلم (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۳/۲۶) و معتبره ابی بصیر (همان، ۲۰۵/۲۶) نیز مستفاد است.

مستند قول اول، علاوه بر ظهور آیه ۱۲ سوره نساء، روایتی است با این مضمون که: «يَرِثُهَا وَ تَرِثُهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ تَرَكَ وَ تَرَكَتْ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۰۰/۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۴۹/۴). سید مرتضی - قائل قول دوم - ارث زن در مانحن فیه را به ارث ولد اکبر از حبوه تشبیه نموده است. در نظر ایشان، همان‌گونه که در باب حبوه - طبق آن چه که از عمواماتی همچون «لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِي» مستفاد است - تنها عین حبوه برای ولد اکبر است و قیمت آن در کل سهام وراث لحاظ و از سهم ولد اکبر، کسر می‌شود،

در باب ارث زوجه نیز زوجه از عین ارث نمی‌برد، بلکه تنها از قیمت زمین، ارث می‌برد (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۸۵).

اطلاق آیه ۱۲ سوره نساء نسبت به زمین و غیر زمین، مستند قرآنی قول سوم می‌باشد. به این بیان که اگر زن از شوهر متوفایش، فرزند نداشته باشد، از زمین ارث نمی‌برد و اگر فرزند داشته باشد، ارث وی از شوهر متوفی، همچون بقیه ورثه به اندازه سهم الارثش خواهد بود. چنانچه روایات، تعارض داشتند و نوبت به تعارض برسد، در فرضی که اولین مرجع، موافقت کتاب محسوب گردد، این قول ترجیح پیدا می‌کند. برخی روایات همچون روایات زراره، محمد بن مسلم، میسر یاع الزطی، یزید سائغ، ابن اذینه (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۵/۲۶-۲۰۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۴۹/۴)، موسی بن بکر (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۷/۹)، احوّل (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۱/۲۶؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۴۸/۴) و صفار (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۲/۲۶)، مشعر به استثناء زمین هستند که در باب ششم از ابواب میراث الازواج در کتاب وسائل الشیعه فهرست شده‌اند.

لایرثن من الرباع، من العقار، من الارض و من القرى، تعبیری است که در مستندات روایی قول چهارم دیده می‌شود. واژه «رباع» در «لایرثن من الرباع شیئا» در بعضی از روایات مثل معتبره محمد بن مسلم، جمع ربع و در لغت به منزل تفسیر شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۹۹/۸؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۳۲/۲؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۲۳۷/۱؛ ابن اثیر، بی‌تا: ۲۷۲/۲). لذا رباع به زمین منزل مسکونی، اختصاص دارد. طبق قول بعضی (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۱۰/۳؛ طبرسی، ۱۴۲۵: ۲۹/۳؛ گلپایگانی، ۱۴۱۵: ۱۸-۱۹)، مراد از عقار در روایاتی همچون معتبره عبدالملک بن اعین (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۹/۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۹/۲۶)، روایت محمد بن سنان (همان: ۲۱۰-۲۱۱) و روایت نعمان احوّل، زمینی است که بنایی در آن باشد.

ظاهر بدوی روایاتی همچون روایت یزید صائغ (همان: ۲۰۹) دلالت دارند بر آن‌که زوجه به صورت مطلق از زمین ارث نمی‌برد. در نظر مشهور متأخرین (قائلین قول پنجم)،

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۵۱
وجه جمع عرفی بین روایات دالّ بر استثناء زمین از ارث زوجه و آیه ارث، تخصیص
آیه ارث با روایات است؛ همان طور که حبوه از ارث سایر ورثه غیر از ولد اکبر استثناء
شده است.

۵- نقد اقوال

۵-۱- نقد قول اول

یگانه روایت قول اول، از نظر شیخ طوسی یا باید حمل بر تقیه شود یا فرضی که
زوجه فرزند دارد. صاحب جواهر، حمل بر تقیه را پسندیده است (نجفی، ۱۴۰۴:
۲۱۰/۳۹). در هر حال، این قول، خلاف اجماع امامیه (دانش، ۱۳۹۰: ۱۸) و خلاف
روایات مستفیضه هست.

۵-۲- نقد قول دوم

به نظر می‌رسد جمع سید مرتضی در کتاب انتصار بین ادله حبوه و عمومات، عرفی
نیست؛ چراکه ظاهر ادله حبوه این است که از ترک جدا شود؛ نه این که معادل قیمت
آن از سهم ولد اکبر، کسر شود. همچنین قول ابوالصلاح حلبی (حلبی، ۱۴۱۳: ۳۷۴/۱)،
غیر از آن چیزی است که مرحوم هاشمی شاهرودی (۱۴۲۸: ۱۳/۴۵) به عنوان مدافع این
قول، نقل نموده است. افزون بر این موارد، عدم موافقت نظر سید مرتضی با اطلاق آیه
۱۳ سوره نساء، سبب شده است که نظر ابن جنید با همه ضعفی که دارد بهتر از نظر سید
مرتضی قلمداد گردد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱۴/۳۹).

۵-۳- نقد قول سوم

تفصیل بین زوجه ذات ولد و غیر آن، در روایتی از ابن ابی عمیر (حرّ عاملی، ۱۴۰۹:
۲۱۳/۲۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶۴۷/۱۳) نقل شده که مبتلا به این اشکال است که احتمال دارد
این حدیث از امام (ع) نباشد (اصغری آقمشهدی، ۱۳۸۹: ۱۸). همچنین در مورد روایت ابن
اذینه این احتمال وجود دارد که فتوای ابن اذینه باشد (دانش، ۱۳۹۰: ۲۷۸-۳۰۸). بر
فرض هم از امام (ع) باشد، احتمال دارد که توأم با واسطه‌ای باشد که محذوف است.

صحیح‌ه عبدالله بن ابی یغفور (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۱۵۴/۴)، خبر شاذّ نادر است؛ چون روایات متواتره فراوانی برخلاف آن وجود دارد. لذا برخی آن را حمل بر تقیّه کرده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۲۱: ۴۶۹/۱؛ دانش، ۱۳۹۰: ۲۳۴). به تعبیر مرحوم خوئی، شهرت روایه و به تعبیر برخی شهرت عملیه یک طائفه از روایات که مورد عمل فقها امامیه قرار گرفته، از ممیزات حجّت از لاجبّ محسوب می‌شود (خوئی، ۱۴۲۲: ۱۶۴/۱؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۳۲: ۲۳۲/۳). خبر شاذّ نادر، مخالف سنّت قطعیه و در نتیجه، فاقد اعتبار است؛ لذا برخلاف خبر مشهور، صلاحیت حجّیت ندارد و قابل تعارض با خبر مشهور بین الاصحاب نیست تا نوبت برسد به این که موافقت کتاب مرجع خبر عبدالله بن ابی یغفور باشد.

به نظر می‌رسد همان طور که هاشمی شاهرودی (۱۴۲۸، ۳۲/۴۵) بیان کرده است، با وجود اختلاف اقوال، اجماع تعبّدی در مسأله نیست. نهایتاً، اجماع مدرکی در کار است که اعتبار ندارد.

۵-۴- نقد قول چهارم

قائل قول چهارم باید روایات مطلقه ای را که ظاهر بدوی آنها این است که استثناء زمین در آنها به زمین مسکونی اختصاص ندارد و زوجه به صورت مطلق از زمین ارث نمی‌برد، توجیه نماید؛ لذا در این نگاه: اولاً، روایت یزید صائغ که در آن لفظ رباع وجود ندارد، نقل به معنای روایت دیگری از ایشان تلقّی می‌گردد که در آن لفظ رباع به کار رفته است. این بیان در مورد روایت میسر (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۰/۷) نیز برقرار است. ضمن این که طبق این توجیه، الف و لام در الارض و العقار، الف و لام عهد خواهند بود. ثانیاً، در فرضی که مطلق نبودن الارض - عهد بودن الف و لام - خلاف ظاهر باشد، چون اصالة التطابق اقتضاء دارد، زمین با قید مسکونی بودن در موضوع، اخذ شده باشد، حمل مسکونی بودن بر مثالیت و ارده اطلاق از زمین، خلاف ظاهر است. ثالثاً، قائل این قول، با این اماره که سند دسته‌ای از روایات به زراره و محمد بن مسلم منتهی می‌گردد، آنها

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۵۳

را نقل به معنای یک روایت از امام (ع) محسوب می‌کند. به عنوان نمونه، روایتی از زراره و محمد بن مسلم از ابی جعفر علیه السلام آمده است: النساء لا يرثن من الارض و لا من العقار شيئاً، که در نگاه ابتدایی، نسبت به ارض مسکونی و ارض غیر مسکونی مطلق است. اما در نقل دیگری از آن دو از ابی جعفر علیه السلام، آمده است: لا ترث النساء من عقار الارض شيئاً، که مقید اطلاق نقل قبلی به زمین مسکونی است؛ لذا با وجود احتمال معتنی به نقل به معنا نزد قائل قول چهارم، نمی‌تواند عرفاً استظهار نماید که با دو روایت مواجه است. در مورد روایت محمد بن حرمان از زراره و محمد بن مسلم نیز مشابه این بیان، جریان دارد (گلیپایگانی، ۱۴۰۵: ۳۶).

به بیان دیگر، می‌توان مبعداتی نزد قائل قول چهارم برای اخذ به اطلاق روایات مطلقه شمرد که هر یک وجهی برای اختصاص «عین زمین مستثنی از ارث زوجه» به زمین مسکونی است. مبعّد اول نسبت به این که مطلق زمین - ولو زمین غیر مسکونی مثل زمین کشاورزی - در ارث زوجه استثناء شود، این است که در اکثر این روایات، تعبیری از قبیل رباغ یا تربۀ دار یا عقار الدور یا دور و عقار به کار رفته است. لذا استثناء به زمین مسکونی اختصاص می‌یابد. ضمن این که حکمتی که برای این استثناء در روایات ذکر گردیده است مختصّ به زمین مسکونی است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۱۹/۴۷؛ شهیدی، تاریخ درس: ۱۴۰۰/۴/۸). مبعّد دوم، وجود این احتمال که در زمان صدور روایات، ارتکاز فقهی لبی نسبت به مورد نزاع بودن زمین مسکونی، وجود داشته است. بدین بیان که عامه بر خلاف اهل البیت علیهم السلام، زمین مسکونی را از ارث زوجه، استثناء می‌نمودند. همین احتمال، اطلاق این روایات را نسبت به زمین غیرمسکونی مخدوش می‌سازد؛ چرا که احتمال قرینه لَبِّهِ متبصله از قبیل ارتکاز متشرعه، برای عدم احراز اطلاق کافی است. مبعّد سوم آن که، دسته‌ای از روایات که مشتمل بر تعلیل است، به خانه مسکونی انصراف دارد. طوب و بناء در برخی دیگر از روایات که مشتمل بر استثناء - اَلَا اَنْهَ يَقُوْمُ الطُّوْبُ وَ الْبِنَاءُ - است، در بناء ساختمان مسکونی ظهور دارد و

می تواند حداقل بر این که مراد از روایات با مضمون عدم ارث زوجه از زمین، عدم ارث از خصوص زمین مسکونی با تحفظ بر ارث از بناء و ساختمان خانه باشد، ما یصلح للقرینیه محسوب گردد. در مورد روایاتی همچون صحیحہ محمد بن مسلم و زراره که مشتمل بر تعلیل یا استثناء نیستند، این احتمال به نظر می رسد که نقل به معنای روایاتی باشند که مشتمل بر استثناء یا تعلیل هستند. تمامیت این حمل در گرو آن است که اولاً، اطمینان به صدور روایت واحد یا حداقل عدم اطمینان به صدور روایات متعدد، در کار باشد. ثانیاً، تعدد اسانید و طرق، علت تامه تعدد احادیث صادره از معصوم قلمداد نگردد. همین مبعدها سبب شده است که هاشمی شاهرودی معتقد شود زوجه ای که از شوهرش فرزند ندارد، از قیمت زمین مسکونی و از عین زمین های غیر مسکونی ارث می برد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۱۹/۴۷).

اما انصاف آن است که وجهی برای اختصاص «عین زمین مستثنی از ارث زوجه» به زمین مسکونی وجود ندارد؛ چراکه:

اولاً، هرچند زیاد بودن نقل به معنا در روایات مورد پذیرش است، اما این کثرت، دلیل بر آن نیست که از خبری که ظهور عرفی در اطلاق دارد، رفع ید نمود.

ثانیاً، حتی اگر قرینه مانع از اطلاق، از قبیل قرائنی باشد که - ذهن عرفی با ادنی التفات، دخالت آن را در ظهور کلام نیابد و با این حال، راوی این قرائن را نیاورده و نقل به معنا نموده باشد - برای رفع ید از اطلاق، کارساز است، اما تطبیق این مطلب بر مانحن فیه درست نیست؛ چراکه وجهی برای منع از اطلاق روایات غیر از صحیحہ محمد بن مسلم و روایت حماد بن عثمان (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶/۲۰۸) از زراره و محمد بن مسلم - که مشتمل بر لفظ رباع و دور می باشد و به این جهت اختصاصشان به زمین مسکونی مسلم است - نسبت به زمین غیر مسکونی، وجود ندارد. به این بیان که «القری» و «الدور» در صحیحہ زراره (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳/۶۴۴) اطلاق دارد. این که السلاح و الدواب، از ارث زوجه استثناء شده اند، یا به خاطر حبوه بودنشان است که به ولد اکبر

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۵۵

می‌رسد؛ یا نهایتاً قابل التزام نیست. اما این عدم التزام به این بخش از روایت، دلیل نمی‌شود که از بقیه فقرات آن روایت رفع ید شود. ارض در روایت زراره و محمد بن مسلم (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۱۵۳/۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۰/۲۶) نسبت به همه زمین‌ها اطلاق دارد. استثناء احداث بناء، دلیل بر آن نیست که هر زمینی که مستثنی منه است، دارای بناء باشد. معنای لغوی عقار (طریحی، ۱۴۱۶: ۴۱۰/۳) در روایت جمیل از زراره و محمد بن مسلم (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۸/۲۶)، اختصاص به خانه مسکونی ندارد. مورد استثناء در روایت زراره، بکیر، فضیل، برید و محمد بن مسلم از امام باقر و امام صادق علیهما السلام (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۸/۷)، زمینی است که بناء دارد. لذا دلیلی وجود ندارد که مستثنی منه شامل زمینی که بناء ندارد، نشود. عطف عقار بر دور در روایت عبدالملک بن اعین نشان می‌دهد عقار مطلق زمین است؛ چرا که عقار می‌بایست غیر از دور باشد. الارض در روایت یزید صائغ و روایت موسی بن بکیر واسطی (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۱/۲۶) مطلق است. در روایت محمد بن سنان، بر غیر منقول بودن عقار، تصریح شده است و مال غیر منقول، مطلق زمین است. همچنین وجهی ندارد شجر و نخل در روایت احوال به شجر و نخل در خانه‌های مسکونی اختصاص داشته باشد؛ لذا مطلق زمین مراد است.

همچنین از لفظ رباع در روایت صحیحه محمد بن مسلم ناتمام بودن قولی که طبق آن، فقط خانه مسکونی که در آن زندگی می‌کنند، از ارث زوجه استثناء می‌شود، روشن می‌گردد. چون در اطلاق واژه رباع، فرقی نیست بین خانه‌ای که خود شوهر در آن زندگی می‌کرده است و خانه مسکونی که شوهر آنها را اجاره داده است و خانه‌ای از وی که پسر یا دخترش مجاناً در آن زندگی می‌کنند.

ثالثاً، مبعّد هابی که نزد قائل قول چهارم برای اخذ به اطلاق روایات مطلقه مطرح شد، تمام به نظر نمی‌آید. زیرا تعلیل برخی از روایات از قبیل حماد بن عثمان از زراره و محمد بن مسلم، پاسخی است به این پرسش که چرا زوجه قیمت بناء - و نه خود بناء -

را ارث می‌برد. لذا علت یا حکمت برای استثناء زمین از ارث زوجہ نمی باشد. همچنین قرینه بودن استثناء در برخی از روایات، برای کشف این که مراد از مستثنی منه، خانه مسکونی است، تمام نیست؛ زیرا این که زوجہ از زمین ارث نبرده و تنها از قیمت بناء ارث می‌برد، قرینه بر این نیست که مستثنی منه خصوص زمینی باشد که بناء در او ساخته شده است. بلکه تنها از آن استفاده می‌شود در فرض وجود بناء، زوجہ از قیمت بناء ارث می‌برد. ضمن این که نمی‌توان به خاطر احتمال وجود ارتکاز فقهی در زمان صدور روایات، نزاع را از باب اخذ قدر متیقن در خصوص اراضی مسکونی دانست؛ چرا که امام باقر و امام صادق علیهما السلام با این روایات، آن فضای فقهی را که قبل از آن دو امام همام بر عامه حاکم بود و در آن، زوجہ از زمین و از بناء، ارث می‌برد، ردع فرمودند. لذا احتمال قرینه حالیه متصله نوعیه، وجود ندارد تا با استناد به آن، نزاع به زمین مسکونی اختصاص یابد.

۵-۵- نقد قول قول پنجم

قائلین به نظریه سید مرتضی در مقام دفاع از این نظریه معتقدند، روایات محرومیت زوجہ از زمین به صورت مطلق، به سه وجه، قابل اخذ نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۹: ۲۹/۴۹).

وجه اول، این که قبل از عصر صادقین (علیهما السلام)، هیچ اثری از این حکم در روایات، یافت نمی‌شود. تنها روایتی که مربوط به بعد از این دوره است، روایت محمد بن سنان از امام رضا(ع) در علت این حکم است. این در حالی است که مسائل ارث به دلیل عام البلوی بودن برای مسلمین، مورد توجه قرآن کریم و روایات بوده است. علاوه بر این که انگیزه‌ای برای کتمان مسئله ارث زن از قبیل سیاسی بودن وجود نداشته تا به خاطر تقیه، مسکوت مانده باشد. لذا نسبت به این که مراد جدی این روایات، همان ظاهر اولی آنها یعنی حرمان زوجہ از ارث عین زمین است، استیناسی قوی شکل می‌گیرد (دانش، ۱۳۹۰: ۳۴۷-۴۴۲). در واقع روایات مشعر به عدم ارث زن از زمین به قرینه حالیه

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۵۷

متصله محفوف بوده که طبق آن، زن از قیمت زمین ارث برده ولی از عین زمین ارث نمی‌برد (نه این که کلاً از زمین ارث نمی‌برد نه عیناً نه قیمتاً). این ظهور با تعلیل روایت قاسم صحاف (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۶/۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۲/۲۶) نیز می‌سازد.

وجه دوم، آن که اگر با عمل طبق ظهور اولیه روایات دالّ بر ارث نبردن زن از زمین، زوجه را از قیمت زمین نیز محروم نماییم، مخالفت صریح با قرآن صورت خواهد گرفت؛ چراکه از نظر عرف، روایات، الغاء آیه و نه تخصیص آن را موجب می‌شوند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۹: ۳۶/۴۹).

لذاست که کسانی همچون سید مرتضی مقتضای جمع بین روایات حرمان زوجه از عمار و آیات ارث را چنین دانسته اند که سهام به هم نمی‌خورد؛ چراکه درست است عین زمین به زوجه تعلّق نمی‌گیرد اما زوجه از قیمت زمین، محروم نخواهد شد.

وجه سوم، قوت ظهور است. بدین بیان که ظهور آیات ارث در این که سهم زوجه، ربع یا ثمن کل ترکه است، از ظهور دلیل خاص در نفی ارث زوجه از قیمت زمین - الزوجه لا ترث من الارض شیئاً - اقوی است. لذا ظهور آیات بر ظهور روایات مقدّم می‌گردد. همچنین تفکیک بین عین و قیمت، عرفی است؛ چراکه عرف در باب اموال و حقوق، قیمت را لحاظ می‌کند. برخی از این روایات از قبیل صحیحہ فضلاء و روایت موسی بن بکیر واسطی، که به آنها برای ارث نبردن زوجه از عین و قیمت زمین، استدلال شده است، مشتمل بر قرینه‌ای هستند که اطلاقشان را نسبت به ارث نبردن از قیمت زمین، منع می‌کند. همچنین ارث بردن زن از بناء، بنابر قول مشهور متأخرین - که ارث زوجه از عین و قیمت زمین را منتفی می‌دانند - از قبیل استثناء منقطع و در نتیجه، خلاف ظهور اولی در استثناء است. اما ارث بردن زوجه از قیمت بناء، در نگاه سید مرتضی که معتقد است زوجه از قیمت زمین، ارث می‌برد، استثناء متصل است (همان: ۳۹/۴۹-۴۱).

از نظر مرحوم شعرانی نیز این نظریه سید مرتضی اقرب دانسته شده است. ایشان می‌فرماید: هرچند روایاتی که عین زمین را از ارث زوجه استثناء نموده‌است، تصریح ندارد

بر این که زوجه از قیمت زمین ارث می‌برد؛ اما این سکوت، ظهور در نفی ارث زن از قیمت زمین پیدا نمی‌کند؛ چراکه شاید عدم ذکر قیمت زمین توسط امام(ع)، به این جهت بوده است که اکثر اراضی خصوصاً اراضی در اختیار شیعه در کوفه و اطراف آن، اراضی مفتوحه عنوه محسوب می‌شد و نسبت به آنها بیش از حق اختصاص برای افراد ثابت نبود. بنابراین امام(ع) این را نفی نفرمودند که زوجه از حق اختصاص زوج نسبت به اراضی مفتوحه عنوه ارث می‌برد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۰: ۱۶/۴۶).

در اینجا اشکالی مطرح می‌شود که اگر زن از قیمت زمین هم ارث می‌برد، می‌بایست روایاتی که بین زمین و بناء، تفصیل داده‌اند - زن از زمین ارث نمی‌برد و از قیمت بناء ارث می‌برد - به صورت «ترث من قیمه البناء و الارض» می‌بود. از این که چنین نیست، معلوم می‌شود زن از قیمت زمین ارث نمی‌برد. هاشمی شاهرودی در مقام پاسخ می‌فرماید: واژه بناء در روایاتی که بر ارث زوجه از قیمت بناء دلالت دارند، در تقابل با زمین نیست. بدین معنا که روایات در مقام بیان این نکته نیستند که زن از قیمت بناء - نه قیمت زمین - ارث می‌برد. بلکه نظریه ارث از قیمت بناء در مقابل دیدگاه عامه است که معتقد بودند زن از اعیان ترکه از جمله بناء، اشجار و ... ارث می‌برد. شاید عدم صراحت روایات به ترث من قیمه الارض بدان جهت بوده است که در آن زمان، زمین بما هو هو - خالی از بناء - فاقد قیمت بوده است (شهیدی، تاریخ درس: ۱۴۰۰/۴/۱). در نظر بزرگانی همچون صدر که فقط حق الاختصاص محیی را نسبت به زمین، ثابت می‌دانند، تمام ارزش زمین به ارزش بناء و حیاتی است که در زمین صورت گرفته است (صدر، ۱۴۰۸: ۶۲۲/۲).

همچنین از نظر هاشمی شاهرودی، نمی‌توان به استناد بدون وجه شدن تقابل مقتضی و او حالیه در روایت در فرض ارث قائل شدن برای زوجه هم از قیمت عقار و زمین و هم از قیمت بناء، روایت احوال را - که در مقام نفی ارث زوجه از عقار و اثبات ارث او از قیمت بناء و شجر و نخل است - مبعّد قول سید مرتضی تلقی نمود؛ چراکه در نظر

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۵۹

هاشمی شاهرودی، بناء و عقار به ترتیب در معنای ساختمان (الدور) و مال غیر منقول به کار رفته است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۱۴/۴۶). همچنین ایشان تعلیل‌های ذیل دو روایت حماد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۶/۲۰۸) و محمد بن سنان (همان: ۲۶/۲۱۱-۲۱۰) را به عنوان مؤید بر این که تنها عین زمین و نه قیمت آن از ارث زوجه استثناء شده است، بیان می‌کند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۱۴/۴۶). محقق اردبیلی در مجمع الفائده و البرهان نیز به این مطلب متعرّض می‌گردد (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۱/۴۵۰).

به نظر هاشمی شاهرودی، مجموع مطالب ایشان، اگر قرینه متّصله بر عدم ارث زوجه از عین زمین - نه از قیمت زمین - محسوب نشود، حداقل، ما یصلح للقرینه به حساب می‌آید. در صورت اجمال این روایات، عموم و اطلاق کتاب محکم است که باید سهم زوجه را که ربع یا ثمن است از کل ترکه حساب کنیم و لذا زوجه از قیمت زمین ارث می‌برد.

هرچند ظهور ابتدایی روایاتی منسوب به محمد بن مسلم و زراره در این است که زن از زمین مطلقاً ارث نمی‌برد. اما طبق بیان محقق هاشمی شاهرودی، این روایات تقطیع شده همان روایت‌های دیگر زراره و محمد بن مسلم است که مشتمل بر «تقوم البناء فتعطی ربعها منه» می‌باشند.

با قطع نظر از صحیح ابن اذینه که تفصیل می‌دهد بین زنی که از شوهرش فرزند دارد و زنی که از شوهرش فرزند ندارد، مقتضای فهم عرفی از روایات یا حداقل مقتضای جمع روایات با آیات ارث زوجه این است که گفته شود عین زمین به زوجه نمی‌رسد. ولی قیمت زمین به وی ارث می‌رسد. با لحاظ صحیح ابن اذینه باید گفته شود زنی که از شوهرش فرزند ندارد، از عین زمین و بناء ارث نمی‌برد. اما زنی که از شوهرش فرزند دارد، مثل بقیه ورثه است و از عین زمین و بناء نیز ارث می‌برد (دانش، ۱۳۹۰: ۳۲۵).

اگر به هر دلیل نوبت به تعارض روایات برسد، باز هم نظریه سید مرتضی، ثابت خواهد شد. بدین بیان که صحیح ابن ابی یعفر (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۱۵۴/۴) که

براساس آن، زن از همه ترکه مرد ارث می‌برد - با روایات مقابلش به این صورت جمع می‌شود که زوجه از عین زمین ارث نمی‌برد ولی از قیمت زمین ارث می‌برد. چنانچه این وجه جمع را نپذیرفتم، روایات تساقط کرده و عام فوقانی مرجع یا مرجع، آیات ارث خواهد بود که ظاهر اولی آن، این است که سهم زوجه از کل ترکه باید حساب گردد و زوجه از زمین به لحاظ قیمت آن ارث می‌برد.

از نظر هاشمی شاهرودی، روایاتی که با روایات استثناء ارث زوجه از زمین تعارض دارند، به چهار صنف تقسیم می‌شوند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۱۷/۴۶).

دسته اول، روایات زیادی است از قبیل معتبره عبید بن زراره و فضل ابی عباس (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۹/۶؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۹/۲۱) با این مضمون که اگر زوج فرزند ندارد، زوجه ربع ترکه را ارث می‌برد و اگر زوج فرزند دارد، زوجه ثمن ترکه را ارث می‌برد. چنانچه در این روایات، زمین از ماترک استثناء شود، عرفی نیست (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۱۷/۴۶).

دسته دوم، روایاتی مثل معتبره ابی بصیر، روایت محمد بن مروان و روایت صحاف است که در خصوص زوجه‌ای که وارث دیگری در ردیفش نیست، تعابیر «المال كله لها یا الربع لها و الباقي للامام»، دارد. عدم استثناء زمین از ترکه‌ای که به ارث زوجه می‌رسد، کاشف از آن است این روایات - که در خصوص زوجه‌ای می‌باشد که منفرد به ارث است - یا باید روایات حرمان زوجه از زمین را تخصیص بزند یا در نظر کسی که بین فرض انفراد زوجه و عدم انفراد او قائل به تفصیل نشده است، طرف معارضه با روایات حرمان زوجه از زمین محسوب گردد (همان: ۱۸/۴۶).

دسته سوم، روایت ابن ابی یعفور (شیخ طوسی، ۱۳۹۰: ۱۵۴/۴) است. امام (ع)، این ارتکاز ابن ابی یعفور را که زوجه از زمین ارث نمی‌برد، ردع می‌کند و می‌فرماید اگر زوج بمیرد و زمین داشته باشد، به زوجه ارث می‌رسد همچنانکه اگر زوجه بمیرد و زمین داشته باشد، به زوج ارث می‌رسد. این روایت به «لکن الزوجه لا ترث من الارض

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۶۱

شیئا» قابل تخصیص نیست. چون مورد سؤال زمین است. در هر حال یا حمل روایات «لا ترث الزوجه من الارض» بر عدم ارث زوجه از عین زمین، قابل پذیرش است که بر این اساس می‌بایست قیمت زمین در محاسبه ارث زوجه در نظر گرفته شود یا در فرض عدم پذیرش این حمل، بعد از تعارض و تساقط روایات، به قرآن کریم رجوع نمائیم و یا موافقت معتبره ابن ابی یعفور با اطلاق قرآن کریم - که زوجه ربع یا ثمن ما ترک زوج را ارث می‌برد - مرجح معتبره ابن ابی یعفور محسوب نمائیم (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۲۵/۴۶-۱۹).

دسته چهارم، روایت ابن اذینه است که طبق آن، زوجه صاحب فرزند از شوهر متوفایش، از رباع - یعنی زمینی که در آن خانه مسکونی ساخته شده - ارث می‌برد. اما به نظر می‌رسد سند این روایت مخدوش باشد. چرا که روایت به امام معصوم (ع) إسناد داده نشده است. در حالی که این احتمال که ابن ابی عمیر مطلبی را بدون انتساب به امام علیه السلام مطرح نمایند، احتمال عرفی ندارد. همچنین از آن جهت که حمل «روایات حرمان زوجه از ارث زمین «بر» زوجه‌ای که از شوهر متوفایش فرزند ندارد»، عرفی نیست، بین این دو، تعارض شکل می‌گیرد و بعد از تعارض به اطلاق قرآن کریم - که زوجه از همه چیز ارث می‌برد - رجوع می‌گردد (همان: ۲۵/۴۶).

۶- تقویت قول پنجم

به نظر می‌رسد نظریه پنجم از ابتلاء به اشکالات مطرح شده، مبرّی است؛ چرا که جهات ثلاثه در نقد قول پنجم، به دلایلی تمام نیست:

اولاً، مسائلی همچون حدیث لاتعداد و خمس مکاسب، از جمله مسائلی است که همچون مسأله ارث نبردن زوجه از زمین، تا زمان امام باقر (ع) سخنی از آنها مطرح نبوده است. هر آن چه که برای توجیه آن مسائل قابل بیان است، در بحث ارث زوجه از زمین نیز خواهد آمد (دانش، ۱۳۹۰: ۳۶۶).

ثانیاً، عرف از انضمام آیه - سهم زوجه‌ی ذات ولد، ربع و غیر ذات ولد ثمن است - و روایت - «الزوجه لارث من الارض شیئاً» - این طور نمی‌فهمد که زوجه از عین زمین، ارث نمی‌برد اما از قیمتش ارث می‌برد. خود سید مرتضی در مسأله حبوه نیز چنین استظهاری ندارد که قیمتشان، متعلق سهم الارث سایر وراث است. لذا مقتضای جمع عرفی این است که زوجه ربع ترکه را از غیر زمین ارث ببرد

ثالثاً، این قول نیز که در قدیم، زمین ارزش نداشته است یا بیشتر شیعیان در اراضی مفتوح عنوه بوده‌اند، تمام نیست. ضمن این که «لارث السلاح و الدواب» نیز موجب خدشه در روایت نمی‌شود؛ چرا که ممکن است این موارد از باب حبوه باشد.

همچنین به ادنی مناسبتی می‌توان از ظهور روایاتی که مشتمل بر استثناء بودند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۹/۷؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۰۸/۲۶)، در استثناء متصل، رفع ید نمود و یا با تحفّظ بر انقطاع در استثناء، آن را عرفی تلقی نمود، زیرا این که زن از زمین ارث نمی‌برد الا بعد از قیمت‌گذاری بناء آن زمین و دادن قیمت آن به وی، کاملاً عرفی است. تعبیر «يَعْنِي بِالْبِنَاءِ الدَّوْر» در روایت احوّل، کلام شیخ صدوق است. آن چه که به عنوان تعلیل ذکر شده است - زوجه شوهر جدید می‌آورد - مربوط به عدم ارث زوجه از عین بناء و ارث زوجه از قیمت بناء است و نظارتی نسبت به عدم ارث زوجه از زمین ندارد. این تعلیل نبودن از کلام محقق اردبیلی نیز مستفاد است (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۴۵۰/۱۱) لذا نمی‌توان نتیجه گرفت که زوجه از عین زمین ارث نمی‌برد ولی از قیمت آن ارث می‌برد.

اگرچه ظاهر اطلاق روایت جمیل از زراره و محمد بن مسلم - که حاوی تعلیل یا استثناء نیست - این است که زوجه از عین یا قیمت زمین، ارث نمی‌برد؛ لکن به نظر می‌رسد این روایات، تقطیع شده همان روایاتی از آن دو است که مشتمل بر استثناء هستند. همچنین مستفاد از روایت عبدالملک بن اعین، آن است که از عین کلّ ساختمان

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۶۳

- اعم از زمین و بناء - ارث نمی برد ولی از قیمت آنها ارث می برد. این روایت قرینه می شود بر این که روایات مطلقه بر نفی ارث زوجه از عین زمین حمل گردد.

این نظریه که عمده روایات، نقل به معنای روایت واحد هستند، مقبول است. اما باید توجه داشت روایات استثناء زمین از ارث زوجه، متواتره نمی باشد. ضمن آن که روایات، منحصر به این روایات نیست. بلکه روایات دیگری از یزید صائغ، میسر، محمد بن سنان و احوال نیز در مسأله وجود دارد. لذا به نظر می رسد روایات به وضوح بر این که زوجه - بر خلاف بناء که از قیمت آن ارث می برد - از زمین ارث نمی برد، دلالت دارد.

دسته های چهارگانه روایات نیز قابل پاسخ هستند. در مورد دسته اول، اولاً، ممکن است ذکر استثناء متصل برای «ترثه زوجته من کل شیء» خلاف تقیّه بوده باشد؛ لذا لا ترث الزوجه من الارض شیئاً در قالب استثناء منفصل، آمده است. همچنین ممکن است وجه تعبیر به ترثه من کل شیء از آن جهت بوده باشد که زوج قبل از دخول، فوت کرده باشد. لذا امام (ع) در روایت عبید بن زراره و فضل ابی العباس فرموده است: ارث این زن غیر مدخول بها بر خلاف صداق و مهر، نصف نمی شود؛ بلکه در فرض فرزند نداشتن زن از شوهر، یک چهارم و در فرض فرزند داشتن، یک هشتم است. ثانیاً، در فرضی که روایت عبید بن زراره قابل تخصیص نباشد و با روایات استثناء زمین از ارث زوجه، معارض تلقی گردد، چون روایات حرمان زوجه از زمین، شهرت روایی و فتوایی بین اصحاب ائمه دارد، اصلاً نوبت به ترجیح نمی رسد تا گفته شود موافقت کتاب اولین مرجع است.^۱

۱. قبل از رجوع به مرجحات، اگر یک طرف معارضه، مشهور بین الاصحاب و طرف دیگر شاذ و نادر بود، خبر مشهور از باب تمییز حجت از لاجت مقدم هست؛ چرا که در فرض تمامیت سند مقبوله عمر بن حنظله، اخذ به خبر موافق با ظاهر کتاب موخر از اخذ به المجمع علیه بین اصحابک آمده است. در فرض عدم تمامیت سند روایت عمر بن حنظله طبق مبنای خوئی، خبر شاذ و نادر که در مقابل خبر مشهور قطعی الصدور قرار دارد، مردود تلقی می گردد؛ چرا که سنت نزد ایشان، به معنای خبر قطعی الصدور از معصوم می باشد و خبر مخالف سنت در لسان روایات به «مردود» تعبیر می گردد (خوئی، ۱۴۲۲: ۱/۱۶۴).

در مورد دسته دوم، باید گفت عدم تفصیل در کلمات اصحاب غیر از فتوای به بطلان تفصیل است. لذا بر اساس این روایات، در زوجه منفرد می‌توان به ارث وی از زمین قائل شد. بلکه با توجه به ضعف سندی روایات مشتمل بر فقره «الباقی للإمام»، کل اموال زوج به زوجه‌ای که وارث منفرد است، داده می‌شود. حتی در صورت تمام بودن سند این روایات، ممکن است بتوان قائل شد که در این موارد، کل یک چهارم ما ترک و لو از زمین، به زوجه و بقیه به امام داده می‌شود. روایت صحاف، نیز با استثناء زمین از ارث زوجه تنافی ندارد؛ چراکه شاید در مورد زمین، امام بخشی از حقّ شان را اغماضاً به زوجه محمد بن ابی عمیر بیاع الصابری، واگذار نمودند که با حکم اولی - عدم استحقاق ارث زوجه از زمین - تنافی ندارد.

در مورد دسته سوم، اولاً، به نظر می‌رسد که روایت ابن ابی یعفور در مقام بیان تشابه زوج و زوجه در ارث از زمین است. لذا عرفی نیست که گفته شود از فقره «ترثه و یرثها من کلّ شیء ترک و ترک» در مورد زوجه، ارث از قیمت زمین مستفاد است اما در مورد زوج، ارث از عین زمین. ثانیاً، این گونه نیست که عموم معتبره ابن ابی یعفور، قابل تخصیص نباشد و نتوان جمع عرفی را پذیرفت و لذا ناگزیر از استقرار تعارض بود. چراکه اگر قائل شویم زوجه از زمین ارث نمی‌برد، اخراج مورد سؤال لازم نمی‌آید. این بدان جهت است که مورد سؤال این بوده که آیا زوج از این زمینی که از زوجه متوفی، به جای مانده، ارث می‌برد؟ ثالثاً، بر فرض صراحت معتبره ابن ابی یعفور در ارث زوجه از زمین و در نتیجه استقرار تعارض بین این معتبره و بین آن روایات استثناء زمین از ارث زوجه، معتبره ابن ابی یعفور که شاذ و نادر است نمی‌تواند بر معارض آن خبر که شهرت روایی و فتوایی دارد، مقدم گردد. البته طبق این مبنا که تقدیم خبر مشهور بر خبر غیر مشهور، بر همه مرجحات از جمله ترجیح به موافقت کتاب، مقدم باشد. رابعاً، اعراض مشهور از معتبره ابن ابی یعفور موجب وهن و حصول وثوق نوعی به وجود خللی در روایت، می‌گردد.

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۶۵

در مورد دسته چهارم از روایات، اولاً، به نظر می‌رسد اشکال بر سند روایت ابن اذینه، وارد نیست؛ چراکه اطمینان وجود دارد منشأ این قبیل مشکلات، تقطیع‌هایی است که در اصول اصحاب، پدید می‌آمده است. لذا این که این حکم، استنباط ابن اذینه تلقی شود، بسیار دور از ذهن است. ضمن این که عمل مشهور به این روایت، این احتمال را نفی می‌کند. با همین بیان، نادرستی وجه انکار صاحب جواهر نسبت به جبران ضعف سند این روایت با عمل مشهور، معلوم می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴: ۹۷/۴۰). ثانیاً به نظر می‌رسد دلالت روایت نیز با اشکالی مواجه نیست. به عنوان نمونه این اشکال که تخصیص «عمومات استثناء زمین از ارث زوجه» با «روایت ابن اذینه»، مستلزم حمل روایات استثناء زمین از ارث زوجه بر فرد نادر است (دانش، ۱۳۹۰: ۳۱۱)، وارد نمی‌باشد. چراکه این تخصیص، حمل بر فرد نادر نیست؛ چون بسیاری از زوجات از همسرشان فرزند ندارند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۸: ۲۸/۴۶). همچنین این روایت با فراز «فتعی ربعها أو ثمنها» در روایاتی نظیر صحیح زرار و محمد بن مسلم که بر استثناء زوجه از ارث زمین دلالت دارند، متعارض نیست؛ چراکه مورد «تعی ثمنها» در روایاتی که زوجه از زمین ارث نمی‌برد ولی ربع یا ثمن قیمت بناء را ارث می‌برد، زوجه‌ای است که از شوهرش فرزند ندارد، ولی شوهرش از زن دیگری فرزند دارد و مورد فتعی ربعها، زوجه‌ای است که شوهرش نیز از زن دیگر فرزند نداشته باشد. به تعبیر دیگر، قول مشهور قدمات - ارث از تمام ما ترک اعم از زمین و بناء و غیره - را بر زوجه‌ای که از زوجه متوفایش، ذات ولد است و قول سید مرتضی - ارث از خصوص قیمت زمین - را بر زوجه‌ای که از شوهرش فرزند ندارد، حمل می‌کنیم.

به نظر می‌رسد به دلایلی، پاسخی که نسبت به دسته‌ی چهارم مطرح گردیده است، تمام نیست.

اولاً: سند روایت ابن اذینه تمام نیست. چرا که اظهار نظر ابن اذینه طبق فهمش از ظاهر حدیثی که از امام (ع) ولو با واسطه شنیده باشد - و البته بعد از اطمینان به صدور آن -

نشانگر آن است که وی فتوی داده است. ضمن این که صرف نقل این فتوی توسط ابن ابی عمیر به معنای عمل وی نیست تا اشکال استبعاد اعتماد ابن ابی عمیر بر روایت غیر منقول از امام، لازم آید. ثانیاً: بر فرض قبول اطمینان ابن ابی عمیر نسبت به نقل ابن اذینه به عنوان حدیث از امام (ع)، ضرورتی وجود ندارد که این نقل بالمباشره باشد. در این صورت این احتمال که ناقل حدیث برای ابن اذینه، ثقة نبوده باشد، وجود دارد. بنابراین اعتماد به نقل ابن اذینه - نقل بالمباشره از امام یا نقل به واسطه ثقة - در این که این حدیث از امام (ع) است، تمام نیست.

ثالثاً: بر فرض تمامیت سند روایت، این نحوه جمع این روایت با روایات استثناء زوجه از ارث عین زمین - که «تعطی ثمنها» بر زوجه‌ای که از شوهرش فرزند ندارد، ولی شوهرش از زن دیگری فرزند دارد و «فتعطی ربعها» بر زوجه‌ای که شوهرش نیز از زن دیگر فرزند نداشته باشد، حمل شود - عرفی نیست. لذا این روایت طرف معارضه می‌شود و در نهایت خبر مشهور مقدم بر خبر شاذ نادر می‌گردد.

لذا به نظر می‌رسد قول اقوی همان نظر مشهور متأخرین است که طبق آن، زوجه اعم از ذات ولد یا غیر ذات ولد از شوهر متوفایش، از عین و قیمت زمین - چه زمین مسکونی چه زمین زراعی - ارث نمی‌برد ولی از قیمت بناء ارث می‌برد.

نتیجه گیری

پنج قول در مسأله ارث زوجه از زمین مورد بررسی قرار گرفت. وجه ضعف قول منسوب به ابن جنید، مخالفتش با اجماع امامیه و روایات مستفیضه است. از آنجا که ظاهر ادله حویه این است که از ترکه جدا شود نه این که معادل قیمت آن از سهم ولد اکبر، کسر شود، جمع سیدمرتضی در کتاب انتصار بین ادله حویه و عموماً، عرفی نیست. تفصیل بین زوجه ذات ولد و غیر آن، علاوه بر مخالفت با اطلاق کتاب، مستند به روایاتی است که با اشکالاتی همراه می‌باشد. از جمله این که ممکن است از امام (ع) نباشد یا توأم با واسطه‌ای باشد که محذوف است یا به جهت مخالف با روایات متواتره

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۶۷

فراوان، شاذّ محسوب گردد. ضمن این که اجماع ادعا شده در مسأله نهایتاً، اجماع مدرکی است که معتبر نیست. قائل به تفصیل بین زمین مسکونی و غیر آن، باید روایات مطلقه‌ای را که ظاهر بدوی آنها این است که زوجه به صورت مطلق از زمین ارث نمی‌برد، توجیه نماید. محقق هاشمی شاهرودی با پذیرش مبعداتی برای اخذ به اطلاق روایات مطلقه، به وجوهی برای اختصاص «عین زمین مستثنی از ارث زوجه» به زمین مسکونی معتقد گردیده است. براین اساس، زوجه‌ای که از شوهرش فرزند ندارد، از قیمت زمین مسکونی و از عین زمین‌های غیر مسکونی ارث می‌برد. اما انصاف آن است که وجهی برای اختصاص «عین زمین مستثنی از ارث زوجه» به زمین مسکونی وجود ندارد.

به زعم برخی از قائلین به نظریه‌ی سیدمرتضی، مستندات روایی نظریه مشهور متأخرین - محرومیت زوجه از ارث زمین به صورت مطلق - به جهاتی از قبیل شکل گیری استیناس نسبت به مراد جدّی بودن ظواهر اولی روایات حرمان زوجه از ارث عین زمین با توجه به فضای قبل از صادقین (علیهما السلام)، مخالفت صریح با آیه ۱۲ سوره نساء و نیز اقوی بودن ظهور آیات ارث از دلیل خاص (نفی ارث زوجه از قیمت زمین)، قابل اخذ نیست. همچنین روایاتی که با روایات استثناء ارث زوجه از زمین مطلقاً، تعارض دارند، به چهار صنف تقسیم می‌شوند که قول ارث زوجه از قیمت زمین از باب مرجعیت یا مرجحیت، اختیار می‌گردد.

بعد از بحث مفصل و تبیین عدم تمامیت جهات ضعف محرومیت زوجه از ارث زمین به صورت مطلق و نیز پاسخ از اصناف روایات معارض با روایات دالّ بر آن، وجه قوّت این قول نمایان گردید. طبق این نظریه، زوجه اعم از ذات ولد یا غیر ذات ولد از شوهر متوفایش، از عین و قیمت زمین - چه زمین مسکونی چه زمین زراعی - ارث نمی‌برد ولی از قیمت بناء ارث می‌برد. این قول، مطابق با تحقیق، معتضد به شهرت متأخرین و موافق با ادله‌ی معتبر و روایات باب است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا)، **النهایه فی غریب الحدیث و الأثر**، ج ۲، قم: اسماعیلیان.
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**، ج ۳، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن برآج طرابلسی، عبدالعزیز بن برآج (۱۴۰۶ق)، **المهذب**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، **مجموعه فتاوی ابن جنید**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸ق)، **الوسيله إلى نيل الفضيله**، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، ج ۸، ج ۳، بیروت: دار الفکر.
- احمدی تبار، احمد (۱۳۹۸)، **ارث زوجه از زمین**، مجله خانواده در آئینه فقه، ۴، ۳۱-۵۴.
- اردبیلی (مقدس)، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، ج ۱۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین؛ حبیبی، مهدی (۱۳۸۹)، **اموال موضوع ارث زوجه در فقه و حقوق موضوعه ایران**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲، ۷-۲۲.
- پیرعباسی، یحیی (۱۳۸۷ش)، **تحلیلی بر ارث زوجه از اموال غیرمنقول**، مجله کتاب زنان، ۴۰، ۶۹-۱۰۲.
- تجری مؤذنی، زهرا؛ ایزدی فرد، علی اکبر؛ فقیهی، علی؛ ابوالحسینی، علی اکبر (۱۴۰۱)، **پژوهشی در حکم توارث زوجین در ازدواج موقت**، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۷، ۱۰۵-۱۲۴.
- تیمیمی مغربی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، **دعائم الاسلام**، ج ۲، ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۲۱ق)، **رسائل الشہید الثانی**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۶۹

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، ج ۸، محشی: سید محمد کلاتر، قم: کتابفروشی داوری.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۱)، **دوره حقوق مدنی ارث**، ج ۱، ج ۳، تهران: کتابخانه گنج دانش.

- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، **صاحح-تاج اللغة و صحاح العربیة**، ج ۱، بیروت: دار العلم للملایین.

- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، **تحصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**، ج ۲۱ و ۲۶، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- حسنونند، محمدباقر (۱۳۹۴)، **مبانی فقهی و حقوقی ارث زوجه از زمین**، پایان نامه کارشناسی - ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.

- حلبی (ابوالصلاح)، تقی الدین بن نجم الدین (۱۴۱۳ق)، **الکافی فی الفقه**، ج ۱، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین (ع).

- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، **إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان**، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام (الف)**، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حلّی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، **مختلف الشیعة فی احکام الشریعة (ب)**، ج ۹، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، ج ۴، ج ۲، قم: اسماعیلیان.

- حلّی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق)، **المختصر النافع فی فقه الإمامیة**، ج ۲، ج ۶، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.

- خمینی (امام)، سید روح الله (۱۳۹۲ق)، **تحریر الوسیله**، ج ۲، تهران: المکتبه العلمیة الاسلامیة.

- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، **مصباح الأصول**، ج ۱، تقریر: محمد سرور واعظ حسینی بهسودی، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

- دانش، محمدحسن (۱۳۹۰)، **بررسی آخرین و برترین آراء و نظریه ها پیرامون ارث زوجه از زمین** (تقریرات درس خارج محمدجواد فاضل لنکرانی)، قم: نشر مرکز فقهی ائمه اطهار.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ قرآن، سوریه: دار الشامیه.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۵ق)، نظام الارث فی الشریعه الاسلامیه الغراء، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۳۲ق)، المبسوط فی أصول الفقه، ج ۳، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
- سبزواری، محمدباقر بن محمد (۱۴۲۳ق)، کفایه الاحکام، ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق)، انتصار فی انفرادات الامامیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شهیدی، محمدتقی (۱۴۰۰)، درس خارج فقه: ارث زوجه، جلسه ۱۴۰۰/۴/۲۹ تا ۱۴۰۰/۴/۱۳.
- صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۵ق)، میراث الزوجه (تقریرات درس آیت الله بروجردی)، قم: دار القرآن الکریم.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸ق)، اقتصادنا، ج ۲، چ ۲، قم: مجمع شهید صدر.
- صدوق (شیخ)، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، ج ۴، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طاهری، حبیب اله (۱۴۱۸ق)، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۲۵ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، چ ۸، قم: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، ج ۲ و ۳، چ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق)، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، چ ۲، بیروت: دار الکتب العربی.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الاحکام، ج ۹، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طوسی (شیخ الطائفه)، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴، چ ۳، تهران: المکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق)، غایه المراد فی شرح نکت الإرشاد، ج ۳، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

بازخوانی فقهی ارث زوجه از زمین با تأکید بر بررسی ادله مشهور متأخرین و سید مرتضی ۱۷۱

- غفوری، نرگس (۱۳۹۰ش)، **بررسی فقهی-حقوقی مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ قانون مدنی مصوب ۶ بهمن ۱۳۸۷ شمسی در مورد ارث زوجه از زمین**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یزد.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، **کتاب العین**، ج ۲، چ ۲، قم: هجرت.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، **دوره مقدماتی حقوق مدنی** (درس‌هایی از شفعه، وصیت و ارث)، چ ۹، تهران: میزان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، ج ۶ و ۷ و ۱۳، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مفید(شیخ)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **المقننه**، قم: کنگره جهانی شیخ مفید(ره).
- نجفی(صاحب جواهر)، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، ج ۹ و ۳۹ و ۴۰، چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۸ق-۱۴۲۹ق)، **میراث الزوجه من العقار**، مجله فقه اهل البيت عليهم السلام (بالعریبه)، ۴۵-۴۹.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۳۲ق)، **منهاج الصالحین**، ج ۲، قم: مکتب آیه الله العظمی السید محمود الهاشمی.

